

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"  
فرستنده: احمد پوپل  
۱۱ اپریل ۲۰۲۵

## غبار

از غریو دیو طوفانم هراس  
وز خروش تندرم اندوه نیست،  
مرگ مسکین را نمی گیرم به هیچ  
استوارم چون درختی پا به جای  
پیچک بی خانمانی را بگوی  
بی ثمر با دست و پای من میبچ.  
مادر غم نیست بی چیزی مرا:  
عنبر است او، سال ها افروخته در مجرم  
نیست از بد گوئی نامهربانانم غمی:  
رفته مدت ها که من زین یاوه گوئی ها کرم!  
لیک از دریا چو مرغان پر کشند  
روی پل ها، بام ها، مرداب ها -  
پا برهنه می دوم دنبال شان.  
وقت کانسوی افق پنهان شوند  
باز می گردم به کومه پا کشان،  
حلقه می بندد به چشمان اشک من  
گرچه در سختی به سان آهنم...  
یا گر در کنج تنهائی، مرا  
مرغک شب ناله ای بردارد از اقصای شب،  
اندهی واهی مرا  
می کشد دربر، چنان پیراهنم.  
همچنان کز گردش انگشت ها بر پرده ها

وز طنینِ دلکشِ ناقوس  
وز سکوتِ زنگِ دارِ دشتِ ها  
وز اذانِ ناشکیبایِ خروس  
وز عبورِ مه ز رویِ بیشه ها  
وز خروشِ زاغِ ها  
وز غروبِ برفپوش -  
اشک می ریزد دلم ...  
گرچه بر غوغایِ طوفانِ ها گرم  
یا خود از پولاد شد ایمان من -  
گر بخواند مرغی از اقصایِ شب  
اشکِ رقتِ ریزد از چشمانِ من.